

## فرهنگ ادبیات و هنر

## ضمایر [این]

## خانه بلا تکلیف نیما یوشیج

کش وقوس‌ها درباره مرمت و بازگشایی خانه پدر شعر نوادامه دارد

سال گذشته پس از مدت‌ها کش وقوس حقوقی، بالاخره قرار شد خانه نیما یوشیج در دزاشیب شمیران تهران را مرمت کنند. حالا خبر رسیده که در یک سال اخیر هیچ مرمت‌کاری با به خانه آقای شاعر نگذاشته است! خبر را ایستا داده و پی ماجرا را گرفته، شرحی از اتفاقاتی‌که طی این مدت برای خانه نیما رخ داده ارائه کرده و توضیح داده است که چگونه خواستن چشمش را درست کنند اما ابرویش را خراب کردند.

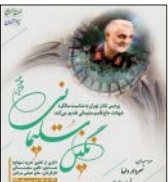
خبرنگار **این** خبرگزاری نوشته: محمد عظیمی- نیماپژوه و نماینده انجمن‌های دوستداران میراث فرهنگی مازندران- که از زمان متروکه‌بودن خانه نیما نسبت به این وضعیت چندین‌بار اعتراض کرده بود، این‌بار بعد از بررسی‌هایی‌که در طول چند ماه گذشته نسبت به سرنوشت این بنای تاریخی و مکان رویداد مهم در حوزه شعر فارسی داشت، از حاجی، شهردار تهران خواست تا بدون هیچ هیاهوی تبلیغاتی، خانه نیما را از وضعیت کنونی نجات دهند؛ خانه‌ای‌که در طول دو سال گذشته هر بار به دلیلی مرمت و ساماندهی آن متوقف شده و گویا یک لایه تاریخی از آن کم می‌شود.

او در ابتدای یادداشت خود که در ایستا منتشر شده، خطاب به شهردار تهران آورده: «تاگشایش آن خانه چقدر باید منتظر بود؟ از ۱۰ خردادماه سال ۱۳۹۸ تاکنون چند بار وعده افتتاح خانه- موزه نیما یوشیج توسط سازمان زیباسازی داده شده است؟ در ۱۸خردادماه سال ۱۳۹۸ اعلام شد‌که خانه نیما یوشیج همزمان با روز میلاد این شاعر یعنی ۲۱ آبان رسماً افتتاح می‌شود. یکم آبان‌ماه مدیرعامل سازمان زیباسازی اعلام کرد‌که به دلیل تداخلی‌که در انجام برخی کارهاداشتیم، نتوانستیم در نیمه نخست امسال اقدامات مورد نیاز برای ساماندهی و تجهیز خانه نیما یوشیج را به نتیجه برسانیم…».

۲۱ آبان نیز سازمان زیباسازی به عنوان متولی مرمت خانه نیما اعلام کرد: «۲۴۰ تیم اجرایی در کار مرمت و بازسازی خانه نیما مشغول به فعالیت هستند». چند روز بعد یعنی ۲۵ آبان سیایش صابری- عضو هیأت علمی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در مصاحبه‌ای اعلام کرد در گام اول نقشه‌برداری بنا را در حال انجام دارد. ۱۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری تهران گفت: «در حال حاضر کار مرمت و بازسازی خانه نیما براساس برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده در حال انجام است».

در تاریخ ۲۰ شهریور ۹۹ محمدجواد حق‌شناس- رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران- از خانه نیما بازدیدی داشته و از این‌که هیچ اتفاقی برای این خانه نیفتاده، گلیاه کرده‌است.

پنجم آذر نیز سمیه فدایی‌نژاد- سرپرست معاونت فنی و طرح‌های شهری سازمان زیباسازی شهر تهران- اعلام کرد: «روند تهیه طرح آن از مهرماه سال جاری آغاز و عملیات حفاظت و مرمت اضطراری شامل مرمت و استحکام بخشی سقف و ستون‌های آن شروع شده‌است». حق‌شناس امار در مصاحبه چند روز گذشته خود یعنی پنجم دی نسبت به رهاشدن خانه نیما و عملکرد عمرانی سازمان زیباسازی می‌گوید: «بازسازی خانه نیما آغاز شده‌است. عملکرد سازمان زیباسازی در حوزه عمرانی هم در حد انتظار من نبوده‌است». باید از این همه تعلل تعجب کرد-که خانه شاعری جهانی پس از وعده‌های بسیار همچنان اسفبار است.



طی چهار روز، ۲۰ اجرای ۳۰ دقیقه‌ای در نقاط مختلف شهر تهران برگزار شود. این اجراها شامل سه پرده نمایش از رشادت‌های این شهید بزرگوار و تلفیق آن با سه بخش از تعزیه اهل بیت (ع) و یاران ایشان خواهد بود و در نهایت، برنامه با بیانی از فرمایشات حضرت علی (ع) از نهج البلاغه پیرامون مباحث فتنه به پایان می‌رسد.

عنوان ویژه برنامه‌ای است که همزمان با سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی در حال اجراست. این برنامه با مشارکت ناحیه مقاومت بسیج مالک اشتر و کانون تخصصی تعزیه منهج در قالب تعزیه طی روزهای ۱۳ تا ۱۶ دی ماه مصداق ایام شهادت سردار دل‌ها شهید حاج قاسم برگزار می‌شود و بر اساس اعلام، مقرر است

### تعزیه سردار سلیمانی در ۳۰ نقطه تهران

سالروز شهادت سردار قاسم سلیمانی را پشت سر گذاشتیم اما هنوز اجرا و برگزاری برنامه‌های هنری مرتبط با این شهید بزرگوار ادامه دارد. از جمله این‌که تعزیه نگین سلیمانی که از دیروز در پردیس تئاتر تهران کار خود را آغاز کرده تا ۱۶ دی ماه ادامه خواهد داشت. آن طور که هنرآلاین گزارش داده، تعزیه نگین سلیمانی،



جودی به عنوان نماینده نسل جدید قهرمان‌های

کمپانی دیزنی، شمایی بسیار متفاوت با تمام قهرمانان پیشین دارد و پیام و حرف تازه‌ای را برای کودکان سراسر جهان به ارمغان می‌آورد که به نوعی در تقابل و تعارض با پیام انیمیشن‌های کلاسیک دیزنی است و جهان و نگاه متفاوتی را پیش روی کودکان و به‌خصوص دختران سراسر دنیا قرار می‌دهد. پیامی که از تلاش و مبارزه و کنشگری می‌گوید و مخاطبان را تشویق می‌کند به جای اسیر سرنوشت بودن، رویای خودشان را بسازند و آن را به واقعیت بدل کنند.

دیزنی بعد از زوتوپیا، انیمیشن‌های دیگری هم ساخته و از میان آنها، اثری که قهرمانی را به دختران واگذار کرده، بخش دوم انیمیشن یخ‌زده است. یخ‌زده ۲ بر پایه موفقیت‌های بخش اول ساخته شده و در سیر قهرمان‌پردازی‌های دیزنی، نقطه قابل تأکیدی نیست اما همچنان از تغییر رویکردها حکایت دارد.

#### دیزنی برای دختران جهان چه ارمغانی داشته؟

انقلاب صنعتی، شکل‌گیری جنبش‌های زنانه به موازات تولیدات رسانه‌ای شکل گرفته و پیش رفته است. رسانه‌ها و جامعه با تأثیرات متقابل در تغییر شرایط سهم داشته‌اند و با پذیرش این نکته که آثار انیمیشنی به دلیل ماهیت و مخاطبانی که دارند، می‌توانند تأثیرات عمیق و پایدار در جوامع مختلف پدید آورند، کمپانی دیزنی در ۱۰۰سال گذشته همزمان با جریان‌ات فرهنگی و اجتماعی، برای زنان جهان الگوسازی کرده است. ارزش‌ها و اندیشه‌های گردانندگان این کمپانی به همراه تولیدات انیمیشنی به سراسر جهان توزیع شده، زنان و دختران تمام جهان به یک نسبت در معرض این ارزش‌ها و اندیشه‌ها قرار گرفته‌اند و الگوی زیست و مختصات فردایشان را متصور شده‌اند. برای فهمیدن این تأثیرات کافی است با نزدیک‌ترین دخترپچه‌ای که در اطراف‌تان می‌شناسید، درباره تمایلات و آرزوهایش حرف بزنید و درباره برداشت‌هایشان از آثار دیزنی سوال کنید تا میزان و شکل تعیین‌کنندگی و تأثیرگذاری این کمپانی انیمیشن‌سازی را دریابید. این تأثیرگذاری و تعیین‌کنندگی بدون تردید در جهان امروز، رشد قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت؛ چرا که توسعه ارتباطات و دسترسی به اطلاعات، بیش از هر وقت دیگری غول انیمیشن‌سازی جهان را برای تعریف اهداف تازه و رسیدن به آنها یاری خواهد داد.

بیرون می‌آید که هر دو نگاهی بسیار متفاوت به قهرمانان کلاسیک و سنتی داستان‌های فولکلور و برآمده از فرهنگ عامه دارد و روایتی هجوآمیز از این قهرمانان ارائه می‌دهد. شاید بتوان این دو اثر سینمایی را نقطه تحول بنیادین در قهرمان‌سازی انیمیشن‌های دیزنی و مالیفیستنت تازه متفاوت این کمپانی در قهرمان‌سازی برشمرد. فیلم به سوی جنگل (Into the Woods) داستان یک نانوا و همسرش را روایت می‌کند که دل‌شان می‌خواهد فرزندی داشته باشند. آنها برای رسیدن به این آرزو با یک جادوگر معامله می‌کنند. جادوگر به آنها وعده یک فرزند را می‌دهد اگر بتوانند برای او ششلی به قرمزی خون شسنل قرمزی، گاوی به سفیدی شیر گاو جک و لوبیایی سحرآمیز، کنش‌هایی به خالصی کنش طلای سیندرلا و مقداری از موهای زربین راپونزل را بیاورند. برای به‌دست آوردن این اقلام، نانوا باید به درون جنگلی تاریک و اسرارآمیز سفر کرده و با غول بزرگ مبارزه کند.

از داستان این فیلم کاملاً پیداست که کمپانی دیزنی، مروری دارد بر تولیداتی که طی سال‌های متمادی داشته و قهرمانانی که به کودکان جهان معرفی کرده است و در این بازنگری، تصویر تازه و متفاوتی از قهرمانان گذشته ارائه می‌کند؛ تصویری به‌مراتب واقعی‌تر که گویی کمپانی دیزنی، جهان فانتزی‌های خودش را به چالش می‌کشد! در فیلم دوم با نام مالیفیستنت (Maleficent) اتفاقی به‌مراتب عجیب‌تر رقم می‌خورد و ضدقهرمان داستان زیبای خفته به قهرمان تبدیل می‌شود. مالیفیستنت به عنوان ضدقهرمان، ملکه یک سرزمین رویایی است و برای نجات این سرزمین همچون یک قهرمان ظاهر می‌شود و زیبایی درونی‌اش در مسیر قهرمانی شکوفا شده و تغییر ماهیت او را به‌دنبال دارد!

با این تعاریف می‌توان بدون تردید این دو فیلم را بیانیه‌هایی فرض کرد برای تغییر دیدگاه و چرخش بنیادین در محتوای آثار دیزنی چرا که پس از آن قهرمانان انیمیشن‌های دیزنی جنس متفاوتی پیدا می‌کنند؛ آنها در همان بستر فانتزی و خیال‌اما در شمایی واقعی‌تر ظاهر می‌شوند. و بالاخره یک قهرمان متفاوت، تغییر رویکرد دیزنی در نیمه دوم قرن بیست و یکم را می‌توان به‌وضوح در انیمیشن زوتوپیا محصول سال ۲۰۱۶ این کمپانی دید. زوتوپیا یک سرزمین خیالی است و همان‌طور که از نامش می‌توان حدس زد، آرمانشهر حیوانات محسوب می‌شود.

در این سرزمین خیالی، خرگوشی کوچک و ضعیف رویایی بزرگ دارد. او می‌خواهد پلیس شود و برای استقرار نظم و امنیت در زوتوپیا خدمت کند. برای جودی به عنوان یک خرگوش کوچولو این آرزو بسیار بزرگ و دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد، اما او با اتکا به توانایی‌های فردی، بدون توسل به نیروهای جادویی و غیبی یا حتی بدون بهره‌گرفتن از شانس و اقبال به دنبال رویایش می‌رود و با مشکلات و موانع بسیار هم روبه‌و می‌شود. در نهایت

جودی که دخترکی ریز و ضعیف تصویر

شده، مسیر قهرمانی را به سلامت پشت سر می‌گذارد و بر موانع و مشکلات پیروز می‌شود. دیدگاه و اندیشه‌ای که انیمیشن زوتوپیا را شکل داده، به صورت نمادین در متن ترانه موسیقی این فیلم قابل ردیابی است؛ ترانه‌ای که می‌گوید همه چیز را امتحان کن و هرگز تسلیم نشو.

#### گفت‌وگو با اسماعیل امینی درباره اقتباس انیمیشنی

#### از شخصیت‌های ادبیات عامه فارسی

## زنان خردمند در ادبیات عامه ما فراوانند

✎ در مقابل دخترکان نگون‌بختی که چشم انتظار نشسته‌اند تا پسر پادشاه سوار بر اسب سفید از راه برسد، باید باشند زنان و دخترانی که برای صیانت از زندگی، همسران، وطن، فرزندان، هویت و رویاهایشان جنگیده‌اند. برای یافتن این زنان و دختران قرار نیست راه دوری برویم؛ بسیاری از آنها همین جا هستند، در سرزمین خودمان؛ بین داستان‌ها و واقعیت‌ها. اسماعیل امینی، نویسنده، شاعر و طنزپرداز که در زمینه ادبیات پژوهش‌های متنوعی داشته این روزها در دانشگاه علامه طباطبایی، ادبیات عامه تدریس می‌کندو بیشتر از همیشه با داستان‌ها و قصه‌هایی از اقوام مختلف ایران سر و کار دارد. او در گفت‌وگویی کوتاه توضیح داده که آیا داستان‌های فولکلور ایرانی، زنانی را معرفی کرده‌که بتوان از آنها انیمیشن‌های زیبا و تأثیرگذار ساخت؛ زنان و دخترانی که تا امروز فرصت درخشیدن روی پرده سینما یا نمایشگر تلویزیون را نیاافته‌اند.

#### در ادبیات عامه و داستان‌های فارسی، شخصیت‌ها و قهرمان‌هایی داریم که برای ساخت انیمیشن مناسب باشند؟

معلوم است که داریم. فرق ما این است که از این داشته‌ها استفاده نکرده‌ایم اما دیزنی از داستان‌های ملل دیگر و از نداشته‌های خودشان در واقع از هیچ، انیمیشن ساخته و کار تبلیغاتی کرده است. قابلیت ساخت فیلم و انیمیشن در قصه‌های عامیانه همه ملت‌ها وجود دارد، به‌خصوص در ایران که از تنوع فرهنگی فوق‌العاده‌ای برخورداریم. درست است که ما یک ملت هستیم اما اقوام مختلفی داریم که هر کدام فرهنگ‌های مختلفی را شامل می‌شوند و داستان‌های متنوع خودشان را دارند. ظرفیت‌های ادبیات عامیانه ما بسیار بالاست؛ ترک‌ها، لرها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، گیلک‌ها، کردها، طبری‌ها و دیگر اقوام هر کدام به صورت مستقل داستان‌هایی دارند که می‌توان از آنها اقتباس کرد برای ساخت فیلم و انیمیشن. البته روی برخی از این داستان‌ها کار شده و بعد از مشروطه توجه اهل ادبیات، پژوهشگران و روشنفکران به اهمیت عامیانه جلب شد و بخشی از مطالعات‌شان را به این مورد اختصاص داده‌اند.



یعنی شخصیت‌های بزرگی مانند مرحوم انجوی شیرازی، صادق هدایت، محمدعلی جمالزاده و احمد شاملو درباره ادبیات عامیانه ایران مطالعه و تحقیق کردند که بشود روزی آنها را تبدیل کرد به محصولات هنری در قالب انیمیشن، فیلم سینمایی، تئاتر و موسیقی. بنابراین قدم‌هایی در این زمینه برداشته شده اما از این اقدامات اولیه برداشت‌های زیادی نشده است. مثلاً مجموعه ضرب‌المثل‌های فارسی در قالب انیمیشن ساخته شده و موارد دیگری از این تولیدات گسترده و مستمر نبوده است.

#### فکر می‌کنید می‌توانیم در زمینه تولید انیمیشن با شرکت‌هایی به قدمت دیزنی رقابت کنیم؟

در زمینه محتوا مشکلی نداریم اما در برخی زمینه‌ها از کمپانی‌هایی مانند دیزنی خیلی دور هستیم. چون اصلاً امکانات و سرمایه‌های دیزنی را در اختیار نداریم. این همه کشور در دنیااست که انیمیشن تولید می‌کند اما گستردگی آثارشان با دیزنی قابل مقایسه نیست، به عنوان نمونه لهستان، مجارستان و برخی کشورهای اروپای شرقی در زمینه انیمیشن‌سازی بسیار توانمند هستند اما به لحاظ قدرت تبلیغاتی و عرضه و توزیع به پای کمپانی‌های آمریکایی نمی‌رسند. این کشورها انیمیشن‌های هنری، تجربی و عمیق و متفکرانه می‌سازند نه انیمیشن‌های تجاری. آمریکا به نظام تسلط جهانی در حوزه‌های مختلف بدل شده و از سال‌های دور برایش برنامه‌ریزی داشته است. طبیعی است که ما نمی‌توانیم در این باره مقایسه‌ای داشته باشیم اما اگر مسأله داشته‌های فرهنگی ما باشد، باید بگوییم بدون تردید این قابلیت را داریم که از داستان‌های بومی خودمان، انیمیشن بسازیم.

#### می‌توانید در این باره به چند داستان یا مصداق در ادبیات عامیانه ما اشاره کنید؟

داستان‌های زیادی داریم اما نمی‌دانم کدام‌شان برای ساخت فیلم سینمایی مناسب است و کدام برای انیمیشن یا کدام یکی برای ساخت فیلم و سریال یا نمایش عروسکی. من متخصص این حوزه‌ها نیستم. کسانی که در رشته ادبیات نمایشی تحصیل می‌کنند، می‌توانند تشخیص بدهند اما می‌دانم که در قصه‌های عامیانه الگوهای خیلی خوبی برای معرفی به دختران مان داریم؛ زنان خردمند، دختران باهوش که شاید دختر پادشاه باشند یا حتی دختر رعیت اما در پشت‌پرده هدایت امور را برعهده دارند و تصمیم‌های بزرگ می‌گیرند. دختران شاعری که در خانه بودند و پدران‌شان شعرهای آنها را عرضه می‌کردند یا بسیاری داستان‌های دیگر.

#### این داستان‌ها می‌توانند به دختران و زنان امروز الگو بدهند؟

بیشتر این داستان‌ها زندگی زنان و دخترانی را روایت می‌کنند که اتفاقاً متناسب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ما است. برخلاف داستان‌های عامیانه غرب که مثلاً در آنها اغواگری ضدارزی می‌آید و به همان شکل در آثار سینمایی یا انیمیشن به نمایش درمی‌آیند، داستان‌های عامیانه شخصیت‌هایی را معرفی می‌کنند که ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با جامعه خودمان را ارائه می‌دهند.

شاید در ادبیات ما هم نمونه‌های اغواگر باشد اما استثناست؛ ما بیشتر زنان خردمند را شاهد هستیم مثل شیرین که هم خردمند است و هم متانت دارد و به قول قدیمی‌ها بی‌حفاظ نیست. در داستان عشق تهمینه به رستم نیز شاهد یک زن بی‌حفاظ نیستیم. در فرهنگ ما همیشه بی‌حفاظی عیب بوده و تقریباً همه داستان‌های بومی ما به این ارزش‌ها پایبند هستند. ارزش‌هایی مانند خردمندی، وفاداری، هوشمندی، شجاعت و نجابت از مواردی است که در داستان‌های ما بسیار دیده می‌شود و درست نقطه مقابل چیزی است که در انیمیشن‌های دیزنی شاهدیم. نکته قابل توجه این است که فرهنگ جهانی هم به آن گرایش دارد.

بعید است والدینی باشند که نخواهند فرزندان‌شان انیمیشن‌های ایمن و پاک تماشا کنند و ارزش‌هایی که نام برده‌اید را یاد نگیرند!

بعد از هیجان‌زگی دوره رنسانس که نتیجه‌رهایی از سلطه و سختگیری‌های بیش از اندازه کلیسا و قرون وسطی بوده، تبلیغ بی‌حفاظی و بی‌پروایی و اغواگری در غرب رایج شده بود و آن را معادل آزادی فرض می‌کردند اما بعد از یک دوره و مواجهه با تبعات این آزادی‌های بی‌حد و مرز و تجربه فروپاشی‌های متعدد به این نتیجه رسیده‌اند که با هر فرهنگ و مذهبی، ناگزیر هستند که به قول شما ایمن باشند چه در مناسبات خانوادگی، چه در رفتارهای اجتماعی. دنیا به این نتیجه رسیده که بی‌پروایی در مناسبات اخلاقی به‌شدت مردود است و حتی وقتی برخی شخصیت‌های معروف و مشهور با چنین رسوایی‌هایی مواجه می‌شوند، واکنش‌های اجتماعی بسیار تند و سنگین است. ✎